

باسمه تعالی

- ۱..... امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد.....
- ۱..... ثمره مساله.....
- ۱..... مرحله اول: بررسی ادعای مرحوم نائینی.....
- ۲..... تنافی داشتن نهی غیری با قصد قربت.....
- ۳..... مرحله دوم: انکار ثمره از منظر شیخ بهائی.....
- ۳..... عدم تلازم بین امر/نداشتن و بطلان.....
- ۴..... بررسی موید مرحوم شیخ بهائی از منظر استاد.....
- ۴..... راههای کشف ملاک.....
- ۴..... شبهه عدم کشف ملاک.....
- ۵..... راه اول کشف ملاک: وجود مقتضی برای عبادت.....
- ۵..... امور خفیه بودن ملاکات.....
- ۵..... مختار استاد: ملاک داشتن ضد عبادی در حالت تزاحم.....

موضوع: بررسی اقوال / ثمره مساله / امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد اصل مساله امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد تمام شد. در جلسه قبل بحث از ثمره مساله مطرح شد. استاد فرمود: نسبت به ثمره باید در چهار مرحله بحث مطرح شود. در این جلسه به بررسی مراحل چهار گانه بحث ثمره پرداخته می شود.

امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد

ثمره مساله

مرحله اول: بررسی ادعای مرحوم نائینی

بحث در مورد ثمره مساله امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد بود. بحث ثمره در چند مرحله قابل بررسی است. مرحله اول در مورد این مطلب است: بنا بر اقتضاء، ضد عبادی در وقت ترک واجب اهم، محکوم به بطلان است. مثلاً امر به ازاله در سعه

وقت، مقتضی نهی از نماز است. وقتی که نماز منهی شد، نهی در عبادت مقتضی فساد است. در نتیجه حکم به فساد عبادت می‌شود.

در این مرحله مرحوم نائینی مخالف نظر مشهور و ادعا کرده است: «مطلق نهی، مقتضی فساد نیست. نهی مقتضی فساد است که نفسی باشد و بر خواسته از مفسده در فعل و کاشف از مبعوضیت عمل باشد. چنین نهی با حصول قربت منافات دارد؛ اما نهی که در محل کلام مورد بحث است، نهی غیری و به خاطر مزاحمت با واجب اهم حاصل شده است. لا تصل فی هذه الحالة، به خاطر این است که نماز مزاحم ازاله است و ناشی از مفسده در نماز نیست. نهی غیری منافات با قربت ندارد. می‌توان نماز را به قصد محبوبیت ذاتی امتثال کرد؛ لذا مرحوم نائینی با این که قائل به اقتضا شد، حکم به فساد نماز عند ترک الازاله نمی‌کند.

تنافی داشتن نهی غیری با قصد قربت

به نظر ما ادعای ایشان جای مناقشه دارد. اینکه فرموده است: نهی غیری با قصد قربت سازگاری دارد، صحیح نیست. صلاحیت تقرب یک امر عرفی است و به ذهن عرفی ما این مطلب خطور می‌کند که وقتی شارع نهی را صادر می‌کند، هر چند که نهی غیری باشد، با تقرب سازگاری ندارد.

بله؛ اگر شارع چنین دستوری می‌داد که اگر ازاله انجام نشد، نماز اقامه بشود و یک امر ترتبی داشتیم، بحثی ندارد؛ اما اگر امری از شارع صادر نشده است و فقط نسبت به نماز نهی غیری آمده و فرموده است: نماز نخوان، اگر مکلف بگوید: نماز می‌خوانم قربة الی الله، روشن نیست که چنین نمازی صلاحیت تقرب را داشته باشد.

بر فرض که نهی غیری ناشی از مفسده نباشد؛ ولی برای حکم به صحت عبادت باید یا احراز ملاک شود و یا حراز امر شود. امری در عرض امر به ازاله برای نماز که وجود ندارد. باقی می‌ماند امر طولی که از ملاک ناشی شده باشد که احراز چنین امری با وجود نهی غیری ثابت نیست. حتی ما اگر بپذیریم که کشف ملاک در جایی که امری وجود ندارد، امکان دارد؛ اما در جایی که نهی وجود دارد، احراز ملاک مشکل است.

کما این که امر ترتبی را نمی‌توان با وجود نهی تصدیق کرد. اگر ما امر ترتبی را عرفی بدانیم در جایی است که نهی از مولا صادر نشده باشد؛ اما اگر از مولا نهی صادر شده باشد، حکم به صدور امر ترتبی مشکل است؛ لذا بنا بر اقتضاء که مقبول مرحوم نائینی قرار گرفته است، حکم به صحت ضد عبادی عند ترک واجب اهم، مشکل است.

بله؛ بنا بر مبنای مبادی حکم که ما گفتیم بعید نیست عرفا امر به شیئی ابراز حب آن چیز است و ابراز حب شیئی ملازمه با ابراز بغض نسبت به ضد آن شیئی دارد، بنا بر این که این بغض، بغض غیری باشد؛ چون که به زبان نیاورده و نهی را ابراز نکرده و اعمال مولویت نکرده است، ادعای مرحوم نائینی جا دارد و می توان ضد عبادی را به قصد قربت اتیان کرد. پس در جایی که اعمال مولویت کرده است، قصد تقرب عقلائیت ندارد؛ اما در جایی که اعمال مولویت نکرده است، بعید نیست که ادعای مرحوم نائینی صحیح باشد.

به عبارت دیگر، ما که سراغ حب و بغض می رویم در جایی است که خطایی در کار نباشد؛ ولی اگر حب و بغضی در کار باشد و خطایی هم صادر شده باشد، اساس همان خطاب است؛ پس ادعای مرحوم نائینی قابل تصدیق نیست؛ اما بغض غیری خصوصاً که لفظ ندارد و طبعی و وجدانی است، بعید نیست که گفته شود منافاتی با صحت عمل ندارد. خلاصه کلام: اولاً در جایی که امر به شیئی اقتضای نهی از ضد را داشته باشد، نفس نهی مولا مانع از تقرب است و ثانیاً اگر مانع هم نباشد لا اقل با وجود نهی مصحح عبادت نداریم

مرحله دوم: انکار ثمره از منظر شیخ بهائی

شیخ بهائی فرموده است: امر به شیئی اقتضای نهی از ضد را داشته باشد یا نداشته باشد، ضد عبادی عند ترک الهم محکوم به بطلان است؛ زیرا بنا بر اقتضا، نهی از عبادت موجب فساد است و بنا بر عدم اقتضا، ضد عبادی امر ندارد تا عبادت صحیح باشد. عملی که امر ندارد، مصداق مأموریه واقع نمی شود. در باب نوافل نیز مویدی برای کلام ایشان وجود دارد. در روایت آمده است: «**لا قرۃ للنوافل اذا اضرت بالفرائض**» اگر بنا باشد نافله اتیان شود و فریضه ترک شود، نافله صلاحیت قصد قربت ندارد. عرف هم چنین کاری را تخطئه می کنند.

عدم تلازم بین امر نداشتن و بطلان

مرحوم آخوند و دیگران جواب داده اند؛ بر فرض که ضد عبادی امر ندارد؛ ولی ملازمه با بطلان ندارد صحت عبادت موقوف بر امر نیست. می توان عبادت را به قصد ملاک اتیان کنیم. بنا بر این که امر به شیئی اقتضای نهی از ضد داشته باشد، ضد ملاک

۱ وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۴، ص ۲۸۶، أبواب، باب، ح، ط آل البیت.

۲ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۳۴.

دارد؛ ولی به خاطر نهی قریبی، واقع نمی‌شود؛ اما ضد بنا بر عدم اقتضاء امر ندارد؛ ولی ملاک دارد و نماز به قصد محبوبیت اتیان می‌شود و حکم به صحت می‌شود.

بررسی موید مرحوم شیخ بهائی از منظر استاد

مویدی که برای مرحوم شیخ بهائی مطرح شد، (با قطع نظر از بحث سندی) گفته می‌شود: نهایت چیزی که موید بر آن دلالت می‌کند، این است که اگر ضد عبادی مستحب باشد و اتیان شود و مانع از اتیان واجب شود، قربتی برای مستحب نیست. مثلاً حَجة الاسلام که واجب است ترک شود و به جای آن حج نیابتی از پدرش که مستحب است اتیان شود. در این موارد تقریبی وجود ندارد. در این موارد که نافله به واجب ضرر می‌رساند، بعید نیست که تقریبی برای نافله نباشد؛ اما در جایی که ضد عبادی واجب باشد، شامل مورد روایت نمی‌شود. شاید به خاطر وجوب ضد، بغض غیری مضر به واجب نباشد. به نظر ما مضمون روایت نیازی به سند ندارد و مطابق با قاعده است. قریبی آوردن مستحبی که موجب ترک واجب است، عقلانیت ندارد. هر چند که در صورت عدم اتیان به واجب، اتیان به مستحب بهتر از انجام عملی است که استحباب ندارد؛ اما به هر حال، اتیان سنت در صورت ترک واجب، تقریبی ندارد. خلاصه: ادعای مرحوم شیخ بهائی، اولاً بطلان نماز در صورت ترک ازاله خلاف ارتکاز متشرعه است. ثانیاً بنا بر عدم اقتضاء، وجهی برای ادعای ایشان نیست. به خاطر قصد ملاک، نماز محکوم به صحت است.

راههای کشف ملاک

شبهه عدم کشف ملاک

این که از چه راهی کشف ملاک از یک عمل بشود، محل کلام واقع شده است. شبهه ای که در این جا مطرح است، این است که ملاکات به دست مکلفین نیستند. مصالح و مفاسد امور خفیه و مناشئ فعل غیر است. در موالی عرفیه نیز خیلی اوقاف معلوم نیست که به چه حسابی امر کرده است، چه رسد به مولای حقیقی. نهایت چیزی که ممکن است این است که از امر شارع کشف می‌شود که جزاف نیست و ملاکی دارد. (چه ملاک در متعلق و چه در نفس امر) اما اگر امر منتفی بشود، ما هیچ دسترسی به ملاک نداریم و بنا بر عدم اقتضاء، ما کاشف از ملاک نداریم. مثل مرحوم خوئی این مبنا را قبول دارند.

راه اول کشف ملاک: وجود مقتضی برای عبادت

بعضی برای کشف ملاک، طریقی را ذکر کرده‌اند. طریقی اول، طریقی است که مرحوم آخوند ادعا کرده است. ایشان فرموده است: امر نداشتن نماز، به خاطر مزاحمت است. عدم امر به صلات در فرض تنجس مسجد و قدرت بر ازاله، به خاطر قصور مقتضی نیست؛ بلکه به خاطر وجود مانع است؛ پس وجهی ندارد که گفته شود: نماز ملاک ندارد.

به عبارت دیگر، بین نماز در فرض ترک ازاله با نماز در حالت عادی، فرقی وجود ندارد. نجس شدن مسجد یا نجس نشدن مسجد، ربطی به نماز ندارد؛ پس عدم امر به خاطر وجود مزاحمت است، نه این که به خاطر قصور مقتضی باشد. فرق است بین تخصیص حکم که از باب قصور مقتضی است و بین مزاحم داشتن. در موارد تخصیص، کشف ملاک ممکن نیست؛ زیرا امکان دارد تخصیص به خاطر فقد مقتضی باشد؛ اما در جایی که تخصیص در کار نیست و دو خطاب مطلق داریم که تراحم بین آنها به وجود آمده است و کشف کردیم که ازاله اهم است، در این صورت امر نداشتن صلات به خاطر تراحم است نه به خاطر وجود قصور مقتضی.

امور خفیه بودن ملاکات

مرحوم خوبی فرموده است: ادعای مرحوم آخوند صحیح نیست. ملاکات امور خفیه هستند و به غیر از خطاب راهی برای کشف ملاک نداریم. شاید نماز در صورت ترک ازاله ملاک نداشته باشد. وقتی که ما طریقی به وجود ملاک نداریم، احتمال دارد که ملاکی وجود نداشته باشد.

مختار استاد: ملاک داشتن ضد عبادی در حالت تراحم

به نظر ما در موارد مزاحمت بعید نیست که ادعای مرحوم آخوند صحیح باشد. برهان قوی نیست ولی بعید نیست. اینکه در حال ترک ازاله، نماز ملاک نداشته باشد، بعید است.

به عبارت دیگر، این که قدرت مکلف دخیل در ملاک باشد، بعید است. ظاهر تکالیف مولا درجایی که قدرت در خطاب اخذ نشده است، این است که فی حد نفسه ملاک دارد. فرق است بین جایی که خطاب مقید به قدرت نشده است و جایی که خطاب را مقید به قدرت کرده است. در جایی که قدرت در خطاب اخذ نشده است، بعید است که قدرت در ملاک دخیل باشد.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۳۴.

نتیجه: کلام مرحوم آخوند صحیح است. ما اطمینان داریم که نماز در صورت ترک ازاله مثل سائر نمازها مشتمل بر ملاک لازم هست و طریق مرحوم آخوند برای کشف ملاک، ادعای بعیدی نیست. چنین نمازی محبوبیت ذاتی دارد، هر چند که مبعوضیت غیری هم داشته باشد. از آن جهت که نماز محبوبیت ذاتی دارد رجحان دارد و از جهتی که ترک اهم شده است مبعوضیت غیری دارد.

ادامه بحث در جلسه آینده.